



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۴ اگست ۲۰۲۰

حمید انوری

"وگر بینی که نابینا و چاه است..."

این کمترین را همیشه عقیده بر این بوده است که "صلاح مُلک خویش خسروان دانند..."، پس لب بر لب گذاشته و قلم به دوات، خون دل خورده و خاموشی گزیده ام و لام تا کام نگفته و نه نوشته ام، اما فکر نکنم ادامه این کار صلاح باشد، هرچند "صلاح کار خویش خسروان دانند..."، مگر نباید خاموش نشست و دم بر نیآورد، تا آن دم که نابینا به چاه افتد و کار از کار گذشته باشد.

اخیراً نوشته ای از فردی به نام "توریالی خاوری" در سایت "آریانا افغانستان آنلاین"، به نشر رسیده است که با یک سنجش دقیق، خواسته است با یک تیر چند هدف را نشانه گیرد. او به بهانه تقبیح سلیمان لایق که چند روز پیشتر از آن به جهنم پیوست که لعنت خدا و نفرین خلق خدا بر او باد، چند هدف دیگر را مد نظر داشته است که با اختصار بر آن انگشت میگذارم و این پرسش را نیز مطرح میکنم که آیا مسؤل محترم سایت متذکره، باری هم آن نوشته را خوانده و بر آن دقت کرده اند، یا به عنوان گویا "سیاهی لشکر"، مانند سایت "افغان-جرمن آنلاین"، از آن استفاده برده اند، بی خبر از آنکه "سیاهی لشکر ناید به کار - دوصد مرد جنگی به از صد هزار"، که مسؤلین هردو سایت متذکره این ضرب المثل مشهور وطنی ما را نادیده گرفته و چشم ها را پُت کرده و در یک رقابت منفی در زمینه، چهارنعل به زعم خودشان به پیش می تازند.

آن یکی در گیرودار همین رقابت منفی و گویا آزادی بیان، از وطن فروش و خائن ملی و جنایتکار و جاسوس شناخته شده ای به نام "سلیمان لایق"، می خواهد یک قهرمان و یک الگوی وطن پرستی و دانش و فهم و درایت و شاعر زمانه ها بسازد و نویسنده به نام "تمهید سیلانی"، تلاش کرده است مجسمه ای از آن جنایت گستر و خاین ملی، در چهارسوق شهر نصب کند و این یکی با دو سه رسوای خلقی- پرجمی، لنگ لنگان پیش می رود تا ناکجا آبادی را گویا فتح کند و به گفته مشهور با زاغ، بونده ای شکار کند.

و اما این تازه وارد به سایت "آریانا-افغانستان آنلاین"، به نام "توریالی خاوری" با این زرنگی کوبیدن سلیمان لایق، هدف اصلی را چگونه نشانه می رود و از خواب غفلت گویا "دست اندرکاران" سایت متذکره با چه ترفندی استفاده می کند، دقیق شوید او چه می گوید و هدف اصلی او کدام است:

"... او بعد از تدویر کودتای پلینوم هژده و برکناری ببرک کارمل زمانی که چولانگاه بزرگ سیاسی را تحت

رهبری دکتر نجیب الله در قلمرو خود در آورد، به پخش اندیشه های هژمونی قومی، نژاد پرستی و افکار منسوخ

قیلوی و شونیستی مبادرت نموده و در این خط داکتر نجیب الله رییس جمهور افغانستان را نیز ترغیب و تشویق نموده تا اینکه قایق سیاسی داکتر نجیب را به دریا غرق ساخت و همه سرنشینان آن قایق را که ملت افغانستان بود، دم طوفان قرار داد که تا همین لحظه پس لرزه های جنایت سلیمان لایق، افغانستان را به کوله بار آتش میدل ساخت است...

از چند و چون این جفنگیات که بگذریم، این سوال را می توان مطرح نمود که آیا واقعاً همه سرنشینان "قایق سیاسی داکتر نجیب"، "ملت افغانستان" بود؟! و آیا مسؤل بربادی افغانستان، تنها و تنها سلیمان لایق بود؟! یا اینکه تمام حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، از سره تا خشره؟!

از این چرندگویی ها هم که بگذریم، درنگی می کنیم به یک پاراگراف دیگر این جفنگ نامه دل بدکن که "دست اندرکاران" سایت "آریانا- افغانستان آنلاین" از آن چشم بسته گذشته اند، دقت کنید:

"... لایق نویسنده کتاب «دو همه سقوی» که یک اثر هژمونستی، نژاد پرستانه و عظمت طلبانه است و برانگیزنده منازعات قومی در افغانستان است میباشد!!"

و اما تول و ترازوی این چرند بالا را میگذارم به آنانی که مطالب ارسالی را یا ناخوانده میگذرند و یا هم چشم ها را بسته و بگفته مشهور، از هیچ کرده، خوب است گفته، کلوخ را مانده و از آب میگذرند.

گناه از توریالی خاوری ها و تمهید سیلانی ها نیست، چون طرز تفکر شان همین است و همین خواهد بود، برای این قماش افراد صد بار هم که داد و فریاد نمائی که چاه در پیش است و سقوط حتمی، نه تنها چشمان شان کور است، بلکه کر مادر زاد نیز تشریف داشته و گوش شنوا ای ندارند که ندارند؛ آنان گنهکار نیستند و تقصیری ندارند، بلکه کر و کور و وجدان مرده زاده شده اند، اما گنهکار ما هستیم که چرندیات و جفنگ نویسی های این قماش افراد را به خورد خوانندگان می دهیم و فکر میکنیم که اگر سر خود را در ریگ فرو بریم، دیگران ما را نمی بینند، غافل از آنکه چنین هرگز نبوده و نخواهد بود، فقط حوصله هم یک حدی دارد. آخر گفته اند:

وگر بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است

بیائید سری به قطی عطار بزنیم و از گوگل در مورد همین توریالی خاوری جویای معلومات گردیم و به طرز تفکر سخیف او اندکی پی ببریم:

"لطیف پدram یا چگوارای افغانستان"

چگوارا نام یکی از ستارگان رزمنده جهان است که با شعار عدالت در برابر خود کامگی ظلم، استبداد، ارتجاع و امپریالیسم در همجواری امپریالیسم امریکا قیام کرد و یکجا باهمرزم و همسنگرش فیدل کاسترو کاخ ستم را ویران کرد و انقلاب کوبا را به پیروزی رسانید.

سپس این قهرمان تاریخ در همین سنگر عدالت در جریان مبارزه درکشور بلویا شکوهمندانه جان سپرد و نامش جاودانه شد.

امروز لطیف پدram با شجاعت، ایثار گری و فدا کاری در درون شکم امپریالیسم در افغانستان و در زیر سایه رژیم دست نشانده، ضد ملی و ضد مردمی اشرف غنی احمدزی این واپسرای امریکا در کابل درفش عدالت و دادخواهی

را بلند نموده و با موج اتهامات ناروا و کمپاین ضدملی دست و پنجه نرم نموده و جسورانه در برابر لشکر تروریستی رژیم ستمگر، جبار و خونخوار غنی و حواریون آن مبارزه نموده و از منافع ملی و هویت ملی مردم افغانستان قاطعانه دفاع مینماید.

برچنین مرد ناترس و استوار وطن باید افتخار نمود و جانبازانه از ارمانهایش که آرمان ملت است، دفاع کرد. او بهترین الگوی مبارزه است، همه بخاطر دفاع از آرمانهای عالی و رهایی بخش این قهرمان به پیش.

توریالی خاوری - شبکه اطلاع رسانی افغانستان - تاریخ انتشار: ۱۰:۰۵ ۱۳۹۷/۳/۱

اینهم یک گوشه ای از چرند پراگنی های فردی به نام "تمهید سیلانی" در سایت افغان-جرمن آنلاین:

"... ۳ - د پوهنتونو له ښوونکو په ځانگړې توگه د ژبو او ادبیاتو له درنو ښوونکو څخه په درنښت هیله کوم، چې د لایق صاحب د لایق صاحب د لایق صاحب د لایق د افکارو پر پیژندنې د لیسانس، ماستری او دوکتورا په کچه پایلیکونه او څېړنیزې پروژې ورکړي، تر څو لایق صاحب راتلونکي نسل ته ښه ور وپېژندل شي ... درنښت د ارواښاد اکادمیسین سلیمان لایق یو کمزوری شاگرد سیلانی." افغان-جرمن آنلاین- ۱/۸/۲۰۲۰

بگذار به سلسله همان سیاهی لشکر گفته چنین جفنگیات و چرندگویی های دل بد کن را به خورد مردم بدهند و اسم آنرا بگذارند "آزادی بیان"، "دیموکراسی" و یا هر آنچه دل تنگ شان می خواهد.

بگذار مجسمه سلیمان نالایق یا همان غلام مجدد نام بدل را در هر چهارراه و چهارسوق شهر نصب کنند، بگذار "سیلانی" ها در مرگ خفت بار او گلو پاره کنند و بگذار این سایت یا آن سایت آن چرندیات تهوع آور را نشر کنند، حقیقت اما چیز دیگریست.

آن نویسندگان و شاعران و هنرمندان و آوازخوانان که در مدح تجاوز و تجاوزگر و پادوان تجاوز و جنایتکاران جنگی، گلو پاره کنند، نه نوشته های شان، نه اشعار شان، نه هنر و آواز شان، دو توت ارزشی ندارد و به پیشیزی نمی ارزند و آن سایت های هفت خط و خال که همچو چرند ها را اقبال نشر می دهند، در حقیقت شاهد سقوط خود در گودال بدنای اند.

به خدمت قاموس نویسان پرچمی - خلقی ای خدا شرمانده و مردم رانده نیز می رسیم، خواه میرزاده ها باشند و خوا احمد و محمود و شهلا و زیبا.

خاموشی بیش از این را یک خیانت بزرگ در حق وطن و وطندار می دانم و اندرین راه هر دو و دشنام و فحش و ناسزا را با جبین گشاده و حوصله فراخ پذیرا هستم و خوب میدانم که این مختصر به مخاطبان خود میرسد. در "خط سوم" می خوانیم:

"چون گفتنی باشد، و همه عالم، از ریش من، در آویزد که مگر نگویم ...، اگر چه بعد از هزار سال باشد، این سخن، بدان کس برسد که من خواسته باشم!"

سید گل سرخ، یک گل نصرانی

ما را ز سر بریده می ترسانی

ما گر ز سر بریده می ترسیدیم

در محفل عاشقان نمی رقصیدیم
در محفل عاشقان خوشا رقصیدن
دامن ز بساط عاقبت برچیدن
در دست سر بریده خود بردن
در یک یک کوچه، کوچه ها گردیدن
هرجا که نگاه می کنم خونین است
از خون پرنده ای گلی رنگین است
در ماتم گل پرنده می موید و گل
از داغ دل پرنده داغ آجین است
در آتش و خون پرنده پر خواهد زد
بر بام بلند خانه پر خواهد زد

این سلسله سر دراز دارد...